

گزارشی هیأت اجرایی

به پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

(مصوب پلنوم - بخش دوم)

بررسی رویدادهای جهان

با گذشت بیش از چهار سال از فروپاشی اتحاد شوروی و نظام های سوسیالیستی در اروپای شرقی، جوانب کوناگون سیمای «نظم نوین جهانی» که امپریالیسم آمریکا و متحدانش، خواهان پیاده کردن آن در جهان هستند، بیش از پیش روشن می شود. سیمای جهان در شرایط کنونی، از یک سو حکایت از ادامه و تشدید نقش مسلط و مخرب سرمایه داری بر حیات جامعه بشری، تشدید روند نظامی کرای امپریالیسم، تسریع روند انحصاری شدن سرمایه داری، و گسترش صدور سرمایه به مثابه عامل مخربی در حیات اقتصادی کشورهای در حال توسعه است. تسریع روند کنترل انحصارهای فراملیتی در حیات اقتصادی جهانی در حدی است که هم اکنون بر اساس آخرین ارزیابی های سازمان ملل متحد، بیش از ۲/۳ تجارت جهان در

ادامه در ص ۲۰۶، ۵۰۴

به مناسبت سیزدهمین سالگرد یورش رژیم به

حزب توده ایران

حزب توده ایران خاری در چشم دشمنان مردم ما!

۱۷ بهمن ماه سال جاری، سیزده سال از یورش خونین پاسداران جهل و استبداد به حزب توده ایران، حزب کارگران و زحمتکشان میهن ما می گذرد. یورش کزیمان جمهوری اسلامی علیه حزب توده ایران، دو علت اساسی داشت. نخست وحشت جدی آنان از نفوذ و اعتبار معنوی حزب ما در میان کارگران و توده های رنج و زحمت و دوم تلاش برای بهبود روابط با غرب و کشودن راه برای خیانت به آرمان های اساسی انقلاب بهمن ۵۷.

اهمیت سرکوب کردن حزب توده ایران برای غرب و نیروهای ارجحی آنچنان بود که رسانه های امپریالیستی شادمان، این پیروزی بزرگ را به رژیم خمینی تبریک گفتند. روزنامه تایمز در سرمقاله خود حتی شکنجه رهبران حزب را «مباح» شمرد، روزنامه آلمانی «دی ولت» در شماره ۶ ماه مه ۱۹۸۲ با خوشحالی از یورش به حزب یاد کرد و اعلام کرد که بالاخره جمهوری اسلامی صفت «شیطان بزرگ» را از آمریکا سلب و به کمونیست ها اطلاق کرده است. مجله آمریکایی نیوزویک در شماره ۱۶ ماه مه ۱۹۸۲، رضایت انحصارهای آمریکایی از یورش به حزب و «غیر قانونی کردن»

ادامه در ص ۲

طرح های «داماتو» و «گینگریج» برای ایران

در اواخر آذر ماه سال جاری، مجلس نمایندگان و سنای آمریکا دو طرح پیشنهادی از سوی دو تن از نمایندگان کنگره این کشور - سناتور «آلفونس داماتو»، و «نیوت گینگریج» سخنگوی مجلس نمایندگان - را در رابطه با ایران به تصویب رساند. تصویب این دو طرح در یک فاصله زمانی نسبتاً کوتاه، بیانگر شکل گیری یک سیاست واحد در میان جناح های مختلف طبقه حاکمه آمریکا بر سر چگونگی برخورد به رژیم حاکم در ایران در شرایط کنونی است.

هدف از طرح پیشنهادی سناتور «داماتو»، که برای اولین بار تحت شعار «یا با ایران معامله کنید یا با آمریکا» در خرداد ماه ۷۴ در سنای آمریکا مطرح شد، و سپس در ۲۷ آذرماه با تغییراتی مهم به تصویب نهایی رسید، و تحدید توسعه منابع نفت و گاز ایران از طریق «جلوگیری از سرمایه گذاری» در آنها اعلام شده است. بر اساس طرح تصویب شده، همه شرکت ها و اشخاص حقوقی و وابستگان آنها که با سرمایه گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در سال به توسعه صنایع نفت و گاز ایران یاری برسانند، مشمول مجازات های سنگین اقتصادی و مالی از سوی دولت آمریکا خواهند شد. این طرح در عین حال به رئیس جمهور آمریکا اختیار می دهد تا در شرایط خاصی که اجرای تحریم را مفایر «منافع ملی آمریکا» تشخیص دهد، ۱۵ روز پس از گزارش مراتب به کمیته بانکی مجلس سنا و کمیته امور بین المللی مجلس

ادامه در ص ۳

دو هی

و صاحبیه، قائمیه مردم، با و قلمی، سیزده هیأت سیاسی حزب مردم فلسطین

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۷۲، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۱۰ بهمن ماه ۱۳۷۴

گامی دیگر در روند فروپاشی رژیم استبدادی و ضد مردمی جمهوری اسلامی

بر اساس گزارش روزنامه های مجاز جمهوری اسلامی ۱۶ تن از مجریان درجه اول رژیم جمهوری اسلامی، (شامل ۱۰ وزیر، ۴ معاون رئیس جمهور، رئیس بانک مرکزی و شهردار تهران) در روز پنجشنبه ۲۸ دی ماه، با انتشار بیانیه ای طولانی ضمن بر شمردن دست آوردهای دولت رفسنجانی و اشاره به دوران دشوار کنونی حضور فعال خود را در صحنه انتخاباتی کشور اعلام کردند و برنامه خود را چنین توصیف نمودند: «ملت ما امروز، با آگاهی دینی و شعور سیاسی زاید الوصفی دریافته اند که شعار «حمایت از هاشمی» فی الواقع همان شعار فطری و قلبی مردم برای سازندگی و توسعه ایران اسلامی است...». (روزنامه سلام، پنجشنبه ۲۸ دی ماه). متعاقب انتشار این بیانیه سخنگویان جناح «رسالت» در یک یورش وسیع و سازمان یافته این عمل را خلاف قانون اساسی و خطرناک برای اساس «نظام» اعلام کردند و ۱۵۰ تن از نمایندگان مجلس با انتشار بیانیه ای ادامه کار دولت را به شکل جدی زیر علامت سؤال بردند. و اسدالله بادمچیان دبیر اجرایی جمعیت متولفه اسلامی در گفتگو با رسالت از جمله اعلام کرد: «اگر عده ای از وزراء و

ادامه در ص ۲

زنده باد آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

گامی دیگر در روند...

مسئولین دولتی بخواهند به عنوان کارگزار و مجری کاندیدا معرفی کنند تخلف بزرگ از قانون اساسی و قانون انتخابات است... یک شکل نامرئی و مخفی حالا آشکار شده است. مردم باید بدانند پول آنها از چه منابعی تأمین می‌گردد... (روزنامه «رسالت» ۱ بهمن ۱۳۷۴). و مریم بهروزی (دبیر کل جامعه زینب و نماینده مجلس) در مصاحبه با «رسالت» اعلام کرد: «بیانیه ۱۶ نفره منسجم ترین دولت پس از انقلاب را دچار دودستگی خواهد کرد...» («رسالت» ۲ بهمن ماه ۱۳۷۴). برای روشن تر شدن علل انتشار این بیانیه و وارد «گود شدن» رسمی و علنی گروه رفسنجانی عملاً نشانگر انشعاب در «جامعه روحانیت مبارز» نیز می‌باشد، باید به تشدید برخوردهای هفته‌های اخیر بر سر اعلام لیست کاندیداهای این مجمع رجوع کرد. پس از هفته‌ها کشمکش، بالاخره مهدوی کنی، از دست اندرکاران پشت پرده این گروه، در هفته‌گذشته اعلام کرد که این مجمع با هیچ کس لیست ائتلافی نخواهد داد و بدین ترتیب به شکل رسمی ائتلاف چهار ساله جناح رفسنجانی و رسالت را که کاندیداهای مشترکی را از طریق همین مجمع برای انتخابات

چهارمین دوره مجلس داده بودند، پایان یافته اعلام کرد. حزب توده ایران در ماه‌های اخیر ضمن پیش بینی روند ایجاد صف بندی‌ها و شکاف‌های جدید در درون رژیم «ولایت فقیه» از جمله یاد آور شده بود: «... گروه حاکم، یعنی نمایندگان کلان سرمایه داری تجاری ایران، بازاریان بزرگ، روحانیون محافظه کار و... در یک یورش منسجم و سازمان یافته یورش خود را برای تأمین سلطه کامل بر ارکان «نظام» زیر شعار «مرگ بر ضد ولایت فقیه» آغاز کرده است... نکته جدید... در این است که به نظر می‌رسد این جناح ائتلاف با گروه رفسنجانی را پایان یافته و بی‌ثمر برای حرکت‌های آینده خود می‌بیند...» (نامه مردم - ۳۰ آبان ماه ۱۳۷۴)

بی شک باز شدن جبهه‌های جدید برخورد و تنش‌های درونی که در عین حال نشانگر رشد بحران سیاسی رژیم نیز می‌باشد، پدیده‌ای است که در انتها به نفع جنبش مردمی و آزادی خواهانه میهن ما تمام خواهد شد. حساسیت روزافزون سران رژیم و جناح‌های مختلف به «انتخابات» پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی و تلاش وسیع این نیروها برای ترغیب و وادار کردن مردم به شرکت در آن، در شرایطی که نارضایتی مردم از رژیم هر روز ابعاد گسترده تری به خود می‌گیرد، نشانگر نگرانی شدید رژیم از تشدید روندی است که مدتها است مشروعیت رژیم «ولایت

فقیه» را نفی کرده است و خواهان پایان یافتن حکومت استبدادی کنونی است. کوتاه سخن، یورش جناح «رسالت» برای حذف نه تنها مخالفان قدیمی (منظور نیروهای رادیکال اسلامی)، بلکه متحدان دیروزی نیز روندی است که حاصلی جز تضعیف بیش از پیش حاکمیت کنونی برای رژیم در بر نخواهد داشت. تفاوت این برخورد با برخوردهای دیگر این است که این بار طرف دعوا به قول خود سرمقاله نویس روزنامه رسالت، یکی از «ستون‌های انقلاب» است که «ولی فقیه» کنونی، «ولایت» خود را بیش از همه به او مدیون است و نمی‌توان با شیوه‌های معمول همیشگی و زدن برچسب «ضد انقلاب، منافق»، او را از میدان به در کرد. بیانیه ۱۶ تن از وزرا و مسوولان کشوری که در میان آن نام افرادی مانند، ولایتی، بشارتی و لاریجانی به چشم نمی‌خورد، در واقع اولتیماتومی است پیرامون آغاز نبردی که به گمان ما آخرین سیخ‌ها را به تابوت رژیم «ولایت فقیه» می‌کوبد. در شرایطی که ارکان رژیم یکی پس از دیگری فرو می‌ریزد، تدارک برای شکل گیری یک آلترناتیو دموکراتیک و ملی امری است که به سازمان دهی و مبارزه توده‌ها و نیروهای مترقی بستگی دارد.

حزب توده ایران خاری در...

آن اعلام کرد و بالاخره مجله «میدل ایست این سایت» (در شماره اکتبر ۱۹۸۲) پرده از ماجراهای پشت پرده و توافقی‌های رژیم خمینی و «سربازان گمنام امام زمان» که کسانی غیر از ماموران سازمان جاسوسی سیا، اینتلجنس سرویس، موساد و سازمان امنیت پاکستان نبودند، برداشت و نوشت: «آنچه برای آمریکا مطرح بود، تنها جلوگیری از افتادن انقلاب به دست نیروهای غیر مذهبی و ضد امپریالیستی بود. آمریکا به ایران اعلام کرده بود که تنها در صورتی حاضر است به جمهوری اسلامی اسلحه و لوازم یدکی بفروشد که حزب توده ایران از میان برداشته شود و به همین دلیل به محض یورش به حزب و دستگیری اعضاء آن ارسال سلاح‌ها و لوازم یدکی آمریکا از طریق کره جنوبی و اسرائیل به ایران آغاز شد. سران رژیم علی‌رغم ادعاهای پوچ خود مبنی بر جاسوسی و وابستگی حزب توده ایران به اتحاد شوروی نه تنها نتوانستند هیچ سند معتبری را در این زمینه ارائه دهند، بلکه تلاش آنها برای سند سازی، از طریق شوهای تلویزیونی و «اعترافات» رهبران دستگیر شده حزب و نشان دادن چهره‌های نیمه فلج و درهم شکسته آنان موجی از انزجار و تنفر از ددمنشی و رفتار ضد انسانی دژخیمان جمهوری اسلامی در میان مردم را برانگیخت و به سند معتبری دال بر محکومیت و واهی بودن ادعاهای رژیم بدل شد. واقعیت این است که سران رژیم خصوصاً در سال‌های ۶۰ و ۶۱ توان و سازمان یافتگی حزب را در بسیج کارگران علیه قانون کار ارجاعی توکلی از نزدیک دیده و تجربه کرده بودند، و از مخالفت اصولی و در عین حال قاطع حزب ما علیه ادامه جنگ خانمانسوز ایران و عراق نیز شدیداً احساس

خطر می‌کردند. جنتی امام جمعه موقت قم و سخنکوی شورای نگهبان ضمن اعتراف صریح به علل واقعی یورش به حزب توده ایران، از جمله یادآور شد: «این از فتح در جبهه‌های جنگ ارزش بیشتری داشت. آنجا فتح نظامی است... اما این‌جا دخالت در افکار مردم است. این‌جا یک عده به نام دلسوزی برای مردم فقیر و بی‌چاره این خط را معرفی می‌کردند و عده‌ای که از دست ستمکاران به تنگ آمده بودند برای مقابله با دشمن جز این سنکر نمی‌شناختند و این‌ها باورشان آمده بود و از روی عقیده بسیاری معتقد بودند که اگر ما بخواهیم از کارگر و کشاورز از ضعیف و بی‌نوا حمایت کنیم باید در این سنکر بنشینیم و سنکر دیگری وجود ندارد...» واقعیت نیز جز این نیست. جنبش کارگری و کمونیستی ایران، و خصوصاً حزب توده ایران، یکی از عمده ترین سدها در مقابل اهداف شوم و ضد ملی ارجح و امپریالیسم در کشور ما بوده و هست. هزاران کشته، ده‌ها هزار سال زندانی، شکنجه‌های مرگبار و آزار و اذیت بی‌حساب، نتوانسته است ریشه حزب توده ایران را در میهن ما بخشکاند. رژیم اسلامی خیلی زود دریافت که ادعاهای انحلال و نابودی حزب توده ایران، همانند ادعاهای سردمداران سلطنت پهلوی ادعاهای بی پایه‌ای بیش نیستند و حزبی را که از میان توده‌های کار و زحمت برخاسته است نمی‌توان ریشه کن کرد. اغراق نیست اگر بگوییم که رژیم جمهوری اسلامی یکی از سهمناک ترین یورش‌ها ارجح را علیه حزب ما سازمان دهی کرد. دستگیری هزاران مبارزه توده‌ای، شکنجه، شوهای تلویزیونی و سپس اعدام‌های وحشیانه گروهی از شایسته ترین و برومند ترین رهبران، کادرها و فرزندان برومند حزب معجون وحشتناکی بود که رژیم و امپریالیسم امیدوار بودند برای همیشه «مشکل» حزب توده ایران را

از سر راه خود بردارند. ولی قهرمانی کم نظیر مبارزان دریند و پیکار رزمندگان و هواداران حزب در داخل و خارج از کشور، علی‌رغم همه این ضربات هولناک پرچم پرافتخار حزب توده ایران را همچنان در اهتزاز نگاه داشتند و این آرزوهای شوم را نقش بر آب کردند. سیزده سال پس از این یورش وحشیانه، پرچم خونین و پرافتخاری که ارانی بر فراز کشور ما به اهتزاز درآورد و سپس قهرمانان و دلاورانی همچون روزبه‌ها، سیامک‌ها، وارطان‌ها، کیوان‌ها، حکمت‌جو‌ها، تیزابی‌ها، بیکوند‌ها، و سپس هاتقی‌ها، افضلی‌ها، کی‌منش‌ها، حجری‌ها، سیمین‌فردین‌ها و صدها مبارزه از جان گذشته دیگر آن را افراشته داشتند، هنوز بر فراز میهن پر افتخار ما در اهتزاز است و خاری است در چشم دشمنان مردم میهن ما!

پیام تبریک به حزب کمونیست روسیه

صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه
فدراتیور
رفیق گرامی‌گ. زیوگانف
پیروزی درخشان حزب کمونیست روسیه فدراتیو را در انتخابات دومای روسیه به شما رفیق گرامی و از طریق شما به همه اعضا و هواداران حزب و زحماتشان روسیه تبریک می‌گویم. در تحقق آرمان‌های والای انسانی، احیا و برقراری میهنی شورایی و سوسیالیستی برای شما آرزوی موفقیت می‌کنیم.

صدر کمیته مرکزی حزب توده ایران
علی‌خاوری
۱۴ دی ماه ۱۳۷۴ - ۴ ژانویه ۱۹۹۶

طرح «داماتو» و «گینگریج» ...

نمایندگان، مجازات شرکت یا شرکت های خاطی را لغو کند. به موازات این طرح، در اوایل آبان ماه ۷۴، «نیوت گینگریج» سخنگوی مجلس نمایندگان آمریکا، طرحی مبنی بر تخصیص ۲۰ میلیون دلار برای «برهم زدن ثبات جمهوری اسلامی» ارائه داد. این طرح پس از کشاکش بسیار میان نمایندگان جمهوریخواه و دموکرات، بالاخره در تاریخ اول دی ماه ۷۴ تحت عنوان «برنامه عملیات پنهانی» برای «متعادل ساختن رفتار رژیم جمهوری اسلامی»، از جمله از طریق به وجود آوردن و تقویت «مخالفان جدید» در ایران، در کنگره آمریکا به تصویب رسید.

نکته جالب در طرح «گینگریج» این است که طرح مزبور، استفاده از اعتبار تصویب شده را در جهت «کمک های نظامی مرگبار» به نیروهای مخالف جمهوری اسلامی را ممنوع اعلام می کند. به عبارت دیگر، دولت آمریکا در شرایط کنونی سیاست مشخصی را برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی دنبال نمی کند و هدف در حال حاضر تضعیف و «تعدیل» سیاست های افراطی آن، و در یک کلام، «به راه آوردن» حاکمیت است.

به دنبال تصویب طرح تحریم در کنگره آمریکا، نشریه «شرق الاوسط» در شماره ۲۹ آذرماه خود متن مصاحبه ای را با رییس جمهور آمریکا منتشر کرد که در آن کلیتون اعلام کرده بود «ما آماده هستیم در هر زمانی با نمایندگان دولت ایران به گفتگو بنشینیم». کلیتون در این مصاحبه ضمن تأکید بر این مسأله که «تجدید مذاکرات قبل از اینکه تهران فعالیت های غیرقابل قبول خود را تغییر دهد ممکن نخواهد بود»، انتظارات آمریکا از حاکمیت جمهوری اسلامی را رسماً برشمرده بود. چندی پیش از این مصاحبه، یعنی در اواسط آبان ماه، معاون وزارت خارجه آمریکا «پیتر تارنوف» نیز خواسته های آمریکا از رژیم ایران را در چهار زمینه قرارداد صلح خاورمیانه، تولید سلاح های نابودکننده جمعی، تروریسم، و حقوق شهروندان ایرانی، اعلام کرده بود و تأکید کرده بود که آمریکا نه فقط خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی نیست بلکه آماده مذاکره با مقامات رسمی ایران است.

نکته قابل توجه در این رابطه این است که سیاست اعلام شده از سوی طبقه حاکمه آمریکا، پس از چندین ماه جدال سیاسی میان جمهوریخواهان و دموکرات ها حاصل شده است. هم طرح «داماتو» و هم برنامه عملیات پنهانی «گینگریج» علیه ایران، در شکل اولیه شان هدف اعلام شده جمهوریخواهان برای سرنگونی حاکمیت جمهوری اسلامی را دنبال می کردند. اما مقاومت جناح های لیبرال سرمایه داری آمریکا که در عین حال از حمایت فعال دولت های اروپایی نیز برخوردار بودند و هنوز کار جناح رفسنجانی را در حاکمیت ایران تمام شده نمی دانستند، جمهوریخواهان را وادار کرد که به یک مصالحه جدی در مورد ایران تن دهند. اساس این مصالحه بر این فرض استوار است که نمی بایست راه های مانور و اتخاذ سیاست های متفاوت متناسب با شرایط در حال تغییر را بست و از جمله هنوز می توان با تکیه بر «شمشیر دامرکلس» طرح «داماتو»

و برنامه عملیات پنهانی «گینگریج»، با زیر فشار قرار دادن رژیم جمهوری اسلامی نخست به موضوع سنگ اندازی رژیم علیه صلح خاورمیانه خاتمه دهند و سپس با توجه به شرایط و اوضاع بحرانی ایران راه را برای تغییر و تحولاتی که منافع امپریالیسم در منطقه را تأمین کند باز نمایند.

نکته مهم دیگر در این رابطه، هماهنگی کامل و فعال میان بخش هایی از اپوزیسیون ارتجاعی رژیم و دولت آمریکا است. چندی قبل هوشنگ انصاری، وزیر اقتصاد رژیم گذشته به ناگاه پا به عرصه سیاست گذاشت و طی یک بیانیته سرگشاده، که بلافاصله مورد حمایت علنی «فرانک کارلوجی» (رییس شورای امنیت ملی و سپس وزیر دفاع آمریکا در زمان ریگان)، و «استیو سولاز» (سناتور دموکرات و رییس پیشین کمیسیون آسیایی کنگره آمریکا) قرار گرفت، ضمن مخالفت با هرگونه کوشش برای سرنگونی رژیم، از سیاست «تعدیل» رژیم ایران حمایت کرد و اعلام نمود که هرگونه تغییر رژیم در ایران باید در چارچوب «قانون اساسی» انجام گیرد.

وی ضمن اعلام حمایت از «افراد» در حاکمیت که واقعیت ها را درک می کنند»، از دولت آمریکا خواست که خواست های خود را از جمهوری اسلامی صریحاً اعلام کند. و این همان کاری است که «بیل کلیتون» در مصاحبه ۲۹ آذر ماه خود با نشریه «شرق الاوسط» انجام داد.

فعال شدن هوشنگ انصاری (گشایش دفتر سیاسی در تگزاس با معاونت فریدون هویدا و همکاری امیر طاهری) و اعلام حمایت سریع جمع کثیری از ایرانیان مقیم آمریکا (بخشی از سلطنت طلبان «سابق» و مشروطه خواهان دوران پیش) از طرح از انصاری، و طرح علنی این موضوع که انصاری در فعالیت هایش از حمایت «داماتو» برخوردار است (از جمله شرکت «داماتو» در ضیافتی که پری اباصلتی برای انصاری، هویدا و طاهری ترتیب داد، و شرکت انصاری در ضیافت شام «داماتو» پس از تصویب طرح تحریم ایران در کمیته بانکی سنای آمریکا)، همه و همه نشان دهنده برنامه حساب شده و هماهنگ دولت های امپریالیستی و نیروهای ایرانی وابسته به آن در خارج از کشور است. با اینکه سخنگویان هر دو جناح نماینده سرمایه داری بزرگ در حاکمیت - جناح رفسنجانی و جناح رسالت - حجتیه - می کوشند تا سیاست تحریم و «برنامه عملیات پنهانی» مصوب کنگره آمریکا را کم اهمیت و بی اثر جلوه دهند و بدین طریق ابعاد توطئه شوم امپریالیستی علیه مردم ایران را از چشم ها پنهان دارند، اما این فشارها از هم اکنون تأثیرات مطلوب غرب را بر سیاست خارجی رژیم و اوضاع داخلی کشور برجای گذاشته است.

در رابطه با سیاست خارجی، رژیم جمهوری اسلامی از هم اکنون مذاکراتی را با دولت های اروپایی و به ویژه دولت انگلستان آغاز کرده است. طبق گزارش روزنامه «سلام» (۴ دی ماه)، معاون امور بین المللی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه با خبرنگاران داخلی و خارجی اعلام کرده است که «ایران آماده مذاکره با اتحادیه اروپا درباره تمامی سوء تفاهات فی مابین است».

نکته حائز اهمیت در اینجا این واقعیت است که جناح های سرمایه داری بزرگ در ایران، امروز سیاست تعدیل رژیم را پشت نقاب ضدیت با سیاست های تازه آمریکا و نزدیکی هرچه بیشتر با دولت های امپریالیستی اروپا به پیش می برند. به عبارت دیگر سیاست تحریم اقتصادی و «برنامه عملیات پنهانی» آمریکا، به پوشش «موجهی» برای نزدیکی سرمایه داری بزرگ حاکم بر ایران با دولت های امپریالیستی اروپا، و به ویژه دولت انگلستان (به عنوان شریک «با چراغ» آمریکا)، بدل شده است.

نکته اساسی در این مانورهای جدید هیأت حاکمه آمریکا این است که با تشدید بحران اقتصادی - اجتماعی و تشدید درگیری های میان جناح های حاکم در جمهوری اسلامی، شرایط کشور به شکل تدریجی اما قطعی به لحظات سرنوشت ساز خود نزدیک می شود. و امپریالیسم آمریکا نگران از تجربه انقلاب بهمن ۵۷ و خطراتی که یک جنبش مترقی و آزادی خواه و مدافع عدالت اجتماعی می تواند برای تمامی منطقه باشد، خود را آماده می کند تا روند کنونی را به سمت اهداف خود شکل دهد. کمیته مرکزی حزب ما به درستی در نشست اخیر خود ضمن شکافتن این اهداف شوم یادآور شد: «با توجه به بغرنجی شرایط ایران و عملکرد نیروهای گوناگون، به نظر نمی رسد که امپریالیسم در شرایط کنونی آلترناتیو واحدی را در ایران دنبال کند. هدف امپریالیسم جهانی، خصوصاً امپریالیسم آمریکا، بازگرداندن شرایطی به ایران است که قبل از انقلاب بهمن ۵۷ وجود داشت... برای تحقق چنین شرایطی، سیاست گذاران سرمایه داری جهانی نسخه های گوناگونی را می توانند مد نظر داشته باشند. از کودتای نظامی (شبهه آنچه توسط ضیالحق در پاکستان انجام گرفت) تا روی کار آمدن نیروهای وابسته - سلطنت طلب در ایران... (اسناد پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران - «نامه مردم ۴۷۱ - ۲۶ دی ماه ۷۴). حزب توده ایران بار دیگر تأکید می کند که امر مبارزه مردم ما علیه رژیم استبدادی «ولایت فقیه» مسأله ای است که به مردم میهن ما و نیروهای مترقی و آزادی خواه آن مربوط است و هیچ نیروی آزادی خواه و دموکراتی دخالت خارجی در ایران را نخواهد پذیرفت. مردم ما به تجربه دردناک چندین دخالت و توطئه امپریالیست ها، خصوصاً امپریالیسم آمریکا در ایران دریافته اند که منافع امپریالیسم چیزی جز غارت بی بند و بست منافع ملی کشور ما و به زنجیر کشیدن مردم نیست.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه گزارش هیأت اجرایی به پنجمین پلنوم

اختیار این انحصارها قرار دارد و شرکت های فراملیتی رقمی بیش از ۲۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم در کشورهای جهان دارند که همچون بخشی اقتصاد محلی بسیاری از کشورهای عقب مانده و در حال توسعه در زیر کنترل خود دارد. و از سوی دیگر ما شاهد رشد جنبش های کارگری، در کشورهای اروپایی علیه تهاجم سرمایه داری برای یاز پس گیری بسیاری از دست آوردهای جنبش مترقی در این کشورها و اوج گیری مبارزه توده ای علیه روند حاکم شدن سرمایه داری و تخریب جوامع کشورهای سابق سوسیالیستی در کنار اوج گیری مجدد جنبش های رهایی بخش و استقلال طلب در بسیاری از کشورهای عقب مانده و در حال توسعه هستیم.

در چارچوب همین بی نظمی «نوین جهان» است که ما شاهد دخالت آشکار در امور داخلی کشورهای گوناگون، از اروپا تا خاورمیانه، از شرق دور تا دریای کارائیب هستیم، تنظیم سیاست اقتصادی جهان به ترتیبی که کشورهای در حال توسعه و کشورهای عقب مانده به شکل همه جانبه تر و گسترده تری در چارچوب قوانین تنظیم شده از سوی سرمایه داری جهانی اسیر باشند، اعمال سیاست های نئو لیبرالی از جمله «تعديل اقتصادی» مغایر منافع ملی کشورها از طریق صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، در کنار گرایش هرچه بیشتر به سمت تقسیم جهان به دو اردوگاه، اقلیت کوچکی از کشورهای استعمارگر، و اکثریت بزرگی از کشورهای استعمار شونده، خطوط اساسی اهداف و برنامه های سرمایه داری جهانی را در شرایط کنونی تشکیل می دهد.

از عواقب سیاسی فوری و خطرناک چنین روندی از جمله آن است که سازمان ها و ساختارهای بین المللی، مانند سازمان ملل متحد، بیش از پیش استقلال سیاسی خود را از دست می دهند و به امری در دست آمریکا و متحدانش در راه اجرای اهداف ذکر شده در بالا بدل می شوند. حزب توده ایران در این زمینه هم زبان با نیروهای مترقی جهان خواهان دموکراتیزه کردن حیات و ساختارهای سازمان ملل و از جمله لغو حق وتوی کشورهای امپریالیستی به مثابه امری برای تمحیل نظرات گروهی انگشت شمار به اکثریت کشورهای عضو سازمان ملل است. عملکرد سازمان ملل متحد در جنگ داخلی یوگسلاوی سابق، از جمله نمونه های روشن و افشاً کننده چنین روندی است. در شرایطی که براساس مصوبه های مجمع عمومی سازمان ملل، نقش این سازمان در یوگسلاوی سابق، تلاش برای برقراری صلح و ایجاد شرایط لازم برای حل برخوردها از طریق مذاکره است، ما از چندین ماه پیش شاهد دخالت آشکار و یک سویه این سازمان در کنار پیمان نظامی ناتو، که در واقع چیزی جز بازوی نظامی امپریالیسم جهانی نیست در جنگ داخلی یوگسلاوی سابق هستیم. از یک سو به تحریک و با تأیید آشکار آمریکا، دولت کرواسی یورش نظامی همه جانبه ای را به بخش های صرب نشین این کشور آغاز کرد و از سوی دیگر آمریکا و متحدانش با آماده سازی افکار عمومی از طریق یک کارزار وسیع تبلیغاتی و مداوم رسانه های گروهی جهان، یورش نظامی وسیع و آشکاری را با آخرین تجهیزات نظامی و از جمله پرتاب موشک های کروز به مواضع صرب ها در بوسنیا آغاز کردند. هدف به گفته ویلی کلاس دبیرکل سابق ناتو: «قبول شرایط ما از جانب صرب ها است». در این جا بدیهی است که هدف ما از طرح این مسأله دفاع از منافع گروهی در مقابل گروه دیگر در جنگ داخلی یوگسلاوی نیست. حزب ما در این زمینه تنها راه منطقی و عملی حل اختلافات را در ادامه مذاکرات صلح می بیند.

مسأله نگران کننده در این روند آن است که آمریکا و متحدانش توانستند با یک کارزار بسیار حساب شده تبلیغاتی با به کارگیری رسانه های گروهی جهان، که در انحصار کشورهای امپریالیستی قرار دارند، آنچنان افکار عمومی را برای این دخالت آشکار آماده کنند، که عکس العمل منفی به این آتش افروزی و گسترش جنگ، که بر خلاف ادعاهای دروغین فرماندهان نظامی ناتو، صدقاتن کشته و هزاران زخمی و ده ها هزار تن بی خانمان برجای گذاشته است، در محافل گوناگون و حتی نیروهای مترقی بسیار ضعیف و سازمان نیافته باشد.

تجربه یوگسلاوی، فصل جدیدی در تعیین استراتژی نوین امپریالیسم در اروپا بازی می کند، و نشانگر نقش مهمی است که سرمایه داری جهانی برای پیمان ناتو به عنوان بازوی مسلح و نیروی نظامی حافظ «منافع جهانی

اش»، قایل است. بسط و گسترش ناتو و حیطه فعالیت آن، در کنار گسترش حضور نظامی امپریالیسم آمریکا، در نقاط حساس و استراتژیک جهان، از جمله منطقه خلیج فارس، نشانه های بسیار نگران کننده ای از اوج گیری سیاست نظامی گری، و برتری طلبی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. تلاش برای آغاز مجدد برنامه متوقف شده «جنگ ستارگان» توسط پنتاگون و محافل دست راستی هیأت حاکمه آمریکا، در کنار از سر گیری انفجارهای اتمی از سوی دولت فرانسه، علی رغم اعتراض وسیع جهانی به این عمل، از نمونه های روشن این دور نوین از نظامی گری است. در حالی که در سال گذشته بسیاری از کشورهای کوچک از سوی آمریکا و متحدانش برای پذیرش قرارداد «قطع متعدهانه آزمایش های اتمی در جهان»، زیر فشار شدید قرار گرفتند و کارزار وسیعی در این زمینه در رسانه های گروهی آغاز شد و کشورهایی مانند ایران و عراق به عنوان خطرهای جدی در راه امضای این قرارداد معرفی شدند، دولت فرانسه آشکارا و در مغایرت کامل با مقاد این قرارداد آزمایش های مجدد هسته ای خود را با اندکی مخالفت از سوی آمریکا، بریتانیا و سایر کشورهای امپریالیستی و علی رغم اعتراض های گسترده مردمی آغاز کرد و ناوگان نظامی و نیروهای ویژه نظامی را نیز برای اعمال این سیاست ها به کار گرفت. آغاز آزمایش های هسته ای از سوی دولت دست راستی فرانسه، در کنار سرکوب خشن محافل مترقی محلی در پولینزی و تأییدی نشانه بارزی از ماهیت عمیقاً سرکوبگر، و استثمارگر امپریالیسم است که در شرایط نوین جهانی پرده عوام فریبی و بشر دوستی را کنار زده و آشکارا به تجاوز علیه حقوق ملل محروم پرداخته است.

رفقا!

از تحولات دیگری که توجه به آن همچنان از اهمیت ویژه ای برخوردار است، ادامه روند تخریب جوامع کشورهای سوسیالیستی سابق است. به عنوان نمونه، پس از فروپاشی اتحاد شوروی، فقر، محرومیت، ناامنی، کمبود مواد و کالاهای مایحتاج زندگی و حاکم شدن باندهای جنایتکار مافیایی بر جان و مال مردم جمهوری های سابق اتحاد شوروی، خصوصاً روسیه، وضعیت ناهنجار و دردناکی را برای ده ها میلیون انسان زحمتکش و شریف ایجاد کرده است. هدف انجام آنچنان تخریبی در این جوامع است که حتی در صورت بازگشت نیروهای مترقی به قدرت، دهه ها زمان برای بازگرداندن وضعیت اقتصادی - اجتماعی به پیش از فروپاشی این کشورها لازم باشد. آنچه که از هم اکنون روشن است، آن است که کمونیست ها، جنبش کارگری و نیروهای مترقی در این کشورها از یک سو و نیروهای دست راستی، مرتجع و وابسته به محافل امپریالیستی از سوی دیگر، درگیر یک نبرد سرنوشت ساز و تعیین کننده هستند، که نتیجه آن، تا حدود زیادی روند تحولات دهه های آینده را نیز تعیین خواهد کرد. در روسیه برگزاری دومین کنفرانس حزب کمونیست روسیه، به مثابه بزرگترین سازمان سیاسی کشور، رویداد مهمی بود که حزب ما امکان آن را یافت تا از نزدیک و با حضور مستقیم در این کنفرانس در جریان آن قرار گیرد. در این کنفرانس کمونیست های روسیه بازگشت فعال، انقلابی و سازمان یافته خود را به صحنه نبرد علیه حکومت ارتجاعی و وابسته یلتسین اعلام کردند و در عین حال برنامه نوین خود را برای بازسازی سوسیالیسم در این کشور انتشار دادند.

انعکاس (همراه با «نکرانی») اخبار کنفرانس در رسانه های گروهی غرب و تهدید های محافل دست راستی امپریالیستی پیرامون ضرورت «آمادگی» غرب برای «آینده ناروشن روسیه» در شرایطی که مردم این کشور در اکثریت قابل ملاحظه ای خواهان بازگشت به سوسیالیسم و یک نظام متکی به دموکراسی و عدالت اجتماعی هستند، نشانگر حساسیت و آماده بودن کشورهای امپریالیستی برای شرکت فعال و مداخله در امور داخلی روسیه برای حفظ روند کنونی و تسریع احیای سرمایه داری لجام کسیخته در این کشور است.

انتخابات آینده دوما (مجلس قانونگذاری) و انتخابات ریاست جمهوری آینده این کشور نقش مهمی را در آینده نه تنها روسیه بلکه تعداد قابل ملاحظه ای از جمهوری های سابق اتحاد شوروی بازی خواهد کرد. با درک این روند بود که در دومین کنفرانس حزب کمونیست روسیه

ادامه گزارش هیأت اجرایی به پنجمین پلنوم

نمایندگان احزاب کارگری و کمونیستی از اکثریت قابل ملاحظه از جمهوری های سابق شوروی (۱۵ جمهوری) حضور داشتند و در پیام های جداگانه خود به کنکره بر ضرورت تلاش و مبارزه در راه آماده سازی شرایط برای بازسازی اتحاد شوروی تاکید ورزیدند.

در صورتی که کمونیست ها بتوانند در انتخابات آینده در ائتلاف با سایر نیروهای مترقی و آزادی خواه پیروزی های چشم گیری به دست آورند، می توان امیدوار بود که روند تخریب کنونی در این کشورها متوقف شود و شرایط برای بازسازی مجدد آنها آماده گردد. نیروهای ارجماعی و وابسته به امپریالیسم از طرفداران یلتسین تا حزب «انتخاب روسیه» (به رهبری کایدار) نیز در عین حال مصمم هستند تا با استفاده از تمامی اهرم ها و وسایل ممکن از جمله تبلیغات شبانه روزی رسانه های گروهی که در کنترل انحصاری دولت قرار دارد، تحقق چنین روندی را غیر ممکن سازند. همانطور که کمونیست های روسیه به درستی در کنکره خود اشاره کردند، مبارزه ای که در پیش رو دارند، مبارزه ای سخت، دشوار و پر از بغرنجی است که نیازمند پیکار آگاهانه و هشیارانه کمونیست ها و متحدان آنان در این شرایط می باشد. ما به همراه تمامی نیروهای مترقی جهان امیدواریم که این نبرد سرنوشت ساز با پیروزی خلق های محروم، زحمتکششان و کارگران روسیه و شکست ارجماع حاکم بر این کشورها به سرانجام برسد.

افزون بر نگرانی امپریالیسم از ادامه شرایط «نامطمئن» در کشورهای سابق سوسیالیستی و گرایش رشد یابنده عمومی مردم این کشورها به سوی بازسازی و احیای دست آورد های سوسیالیستی که در پرتو حکومت سرمایه داری نابود شده است و شکست های پی در پی نیروهای راستگرا و ضد کمونیست مانند لیخ والنسا در لهستان در مقابل کاندیدای نیروهای مترقی و همچنین ادامه حکومت های سوسیالیستی و تلاش سازمان یافته سرمایه داری برای تشدید فشار به منظور منحرف ساختن و یا به تسلیم وادار کردن این کشورها از جمله تحولات مهم دیگری است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

در این زمینه خصوصاً کارزار غیر انسانی محاصره اقتصادی کوبا، برای درهم شکستن اراده مردم قهرمان این کشور و تسلیم شدن به خواست دولت آمریکا از عرصه های اساسی مبارزه نیروهای مترقی جهان علیه تجاوزات امپریالیسم جهانی است.

امروز دفاع از کوبا، دفاع از حق حاکمیت خلق ها، دموکراسی، استقلال و دفاع از حق انتخاب آزاد ساختار اجتماعی - اقتصادی مناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای در حال توسعه است. امروز خلق کوبا، با اراده و توان خلقی آگاه و مصمم در مقابل زورگویی های آمریکا ایستاده است و از دست آورد های انقلاب در میهن خود دفاع می کند. این مقاومت قهرمانانه، در شرایطی که اردوگاه سوسیالیسم و اتحاد شوروی در هم پاشیده است، تنها به مفهوم اعتقاد عمیق مردم این کشور، علی رغم تبلیغات کوش خراش رسانه های گروهی سرمایه جهانی، به حکومت ملی و مردمی حزب کمونیست این کشور است. برگزاری انتخابات موفق شوراهای محلی که در آن بیش از ۹۰٪ از مردم کوبا شرکت داشتند، بار دیگر پوچ بودن ادعاهای دولت آمریکا و محافل دست راستی مبنی بر حکومت «دیکتاتوری» در کوبا را به اثبات رساند و نشان داد که مردم کوبا با درک عملی روشن، از سوسیالیسم موجود در کشورشان دفاع می کنند. ما امیدواریم که این مبارزه عمیقاً نابرابر جزیره کوچک آزادی در مقابل توان عظیم اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا با پیروزی خلق قهرمان این کشور و حزب کمونیست کوبا به رهبری رفیق فیدل کاسترو همراه باشد. حزب توده ایران خواهان پایان بخشیدن به تحریم اقتصادی کوبا و دخالت جویی های امپریالیسم آمریکا در امور داخلی کوبا و علیه مردم و دولت انقلابی این کشور است. حزب توده ایران دفاع از مردم، انقلاب و دولت انقلابی کوبا را از وظایف مهم انترناسیونالیستی خود می داند.

در اینجا ضروری است اشاره کنیم که مبارزه علیه تهاجمات سرمایه داری علیه حقوق کارگران و زحمتکششان تنها به کشورهای سوسیالیستی سابق و کشورهای سوسیالیستی موجود محدود نمی شود. به دنبال تشکیل اتحادیه اروپا، ما امروز شاهد روند اوج گیری مبارزات توده ای در کشورهای اروپایی علیه روند تجاوز سرمایه داری انحصاری به حقوق مردم، کارگران و

زحمتکشکان هستیم که در پی دهه ها مبارزه سخت و دشوار به دست آمده است. حقوقی مانند حق تأمین اجتماعی، بهداشت و آموزش رایگان و حقوق اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری که متأثر از اندیشه ها و برنامه های سوسیالیستی در این کشورها به حاکمیت سرمایه داری تحمیل شده بود. جنبش میلیونی کارگران و زحمتکششان فرانسوی علیه تعرضات دولت دست راستی آلن ژوپه، و وادار کردن آن به عقب نشینی از جمله نمونه های رشد یابنده ای است که می توان به آ اشاره کرد.

رفقا!

منطقه خاورمیانه، در سال گذشته همچنان درگیر تنش ها، و برخورد های گوناگون محلی بود. مسأله صلح خاورمیانه و قرارداد امضا شده میان رهبری جنبش آزادی بخش فلسطین و دولت اسرائیل، همچنان که ما و بسیاری از نیروهای مترقی منطقه پیش بینی کردیم، نه تنها تاکنون نتوانسته است به خواست های برحق خلق فلسطین و موضوع ادامه اشغال غیر قانونی سرزمین های آنان پاسخ شایسته ای بدهد، بلکه با گذشت زمان و شیوه حرکت و اداره دولت «خود مختار» فلسطینی در این مناطق، نگرانی های جدیدی را برای بسیاری از شخصیت ها، احزاب و نیروهای مترقی و آزادی خواه منطقه ایجاد کرده است. امضاء مرحله دوم موافقت نامه میان سازمان آزادی بخش فلسطین و دولت اسرائیل در هفته های اخیر که بر اساس آن ظاهراً اسرائیل کنترل بخش های عمده ای از مراکز فلسطینی نشین در کرانه غربی رود اردن را به دولت خود مختار فلسطینی واگذار خواهد کرد، نیز نمی تواند پاسخگوی خواست اکثریت توده های محروم فلسطینی، که بازگشت آوارگان به سرزمین و خانه خود و تحقق حق تعیین سرنوشت برای این ملت است، باشد. این توافقنامه که مانند توافق قبلی با مخالفت بخش های مهم جنبش آزادی بخش فلسطین، از جمله جبهه دموکراتیک و جبهه خلق و بخش های وسیعی از مردم مناطق اشغالی روبرو شده است، نیز قادر نخواهد بود تنش ها و بحران کنونی در خاورمیانه را تخفیف دهد و پایه یک صلح پایدار و دموکراتیک در منطقه باشد. در حالی که دولت اسرائیل توانست در پرتو امضای قرار داد «صلح» خود را از فشار تحریم اقتصادی کشورهای عربی (که از ترس توده های خشمگین تن به این تحریم داده بودند) خلاص کند و تمامیت ارضی و امنیت آن توسط اکثر کشورهای عربی به رسمیت شناخته شود، خلق فلسطین هنوز نتوانسته است به حق مسلم خود برای برپایی یک کشور آزاد و مستقل فلسطینی دست یابد.

ما در ارزیابی سال گذشته خود از شرایط منطقه متذکر شدیم تا هنگامی که خواست های برحق مردم فلسطین در دست یابی به حق تعیین سرنوشت و تشکیل یک حکومت مستقل، آزاد و دموکرات فلسطینی تحقق نیابد، تشنج و درگیری ها در خاورمیانه همچنان ادامه خواهد یافت. کوتاه سخن، از همان آغاز روشن بود قرار داد صلحی که از سوی دولت آمریکا و اسرائیل به شکل یک جانبه به خلق فلسطین تحمیل شود، بیشتر به قرار داد آتش بس بین غالب و مغلوب، با شرایط تحمیلی نابرابر می ماند و نمی تواند حاصلی جز این داشته باشد.

تورور اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل توسط عناصر افراطی صهیونیستی در هفته های اخیر از سوی دیگر نشان داد که عناصر افراطی در درون و بیرون از هیأت حاکمه حتی از همین روند صلح که به شکل یکجانبه منافع دولت اسرائیل را مد نظر دارد، ناراضی هستند. از نظر چنین نیروهایی (از جمله رهبر اپوزیسیون رسمی دولت - حزب لیکود - بنیامین ناتانیهو) سرکوب وحشیانه حقوق فلسطینی ها به زور اسلحه و نیروی نظامی تنها راه «درست» برای حفظ منافع اسرائیل است.

از مسایل دیگر منطقه که توجه به آن حایز اهمیت است، ادامه بحران در خلیج فارس، رشد جنبش های آزادی خواهانه در کشورهای این منطقه و تحولات مهمی که در رابطه با عراق، ترکیه، ایران و مناطق کرد نشین این کشورها رخ داده است، می باشد.

ادامه تحریم اقتصادی کشورهای غربی علیه عراق، بر خلاف ادعاهای سران این کشورها، نه تنها رژیم دیکتاتوری صدام حسین را پس از گذشت چهار سال، از ماجراجویی جنگ در کویت، ساقط نکرده است، بلکه بر عکس شرایط بسیار دشوار و غیر انسانی ناشی از محرومیت های اضافی تحریم اقتصادی را به میلیون ها شهروند عادی عراق تحمیل

ادامه گزارش هیأت اجرایی به پنجمین پلنوم

های بارز چنین سیاست های دخالت جویانه در ماه های اخیر، تحریک و بازی سیاسی آمریکا بر سر جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی است که بنابر اراده هیأت حاکمه آمریکا، آتش آن می تواند شعله ور یا موقتاً خاموش باشد. و یا روشن تر گفته باشیم «کانون بحرانی» که بتوان هرآن که مصلحت شد، برای شعله ورکردن آتش جنگ در منطقه از آن سود جست. حزب ما قاطعانه با حضور نظامی امپریالیسم در منطقه خلیج فارس مخالف است و آ را تهدیدی آشکار علیه منافع ملی خلق های منطقه می داند. ما خواهان پایان دادن فوری به این حضور نظامی و تبدیل خلیج فارس به یک منطقه غیر نظامی هستیم.

حضور مستقیم نظامی کشورهای بیگان از سوی دیگر به مثابه عامل عمده ای در جلوگیری از هرگونه جنبش آزادی خواهانه و عدالت جویانه در این منطقه، که به دلایل مختلف سیر صعودی می پیماید، عمل می کند.

به عنوان نمونه، در عربستان علی رغم سرکوب خشن هر گونه صدای مخالفی با خانواده آل سعود، تلاش سازمان یافته ای از سوی آزادی خواهان این کشور برای افشای کردن ماهیت عمیقاً ارتجاعی و واپسگرایانه حکومت این کشور، که هیچ چارچوب و موازین دموکراتیک را رعایت نمی کند، انجام گرفت که با وجود تلاش های دولت سعودی و کشورهای غربی برای سرپوش گذاشتن بر آن، انعکاس نسبتاً وسیعی یافت. مسأله سرکوب حقوق بشر در کشوری که پس از اسرائیل مهم ترین متحد استراتژیک امپریالیسم جهانی در منطقه است آشکارا نشان می دهد که ادعاهای کشورهای غربی پیرامون ضرورت رعایت و احترام به حقوق بشر، تنها تا آن حد است که به منافع آنان لطمه ای نزنند.

واقعیت این است که با نفوذ اثرات انقلاب علمی - فنی وانفورماتیک به منطقه و تحولات اقتصادی-اجتماعی ناشی از آن، ادامه حکومت های شیخ نشین - قبیله ای در آینده ای نه چندان دور در این کشورها غیر ممکن خواهد بود. نگرانی غرب نیزه از نبود دموکراسی، بلکه از آینده نامعلوم این رژیم های ارتجاعی، در مقابل جنبش رویه رشد اجتماعی و ترقی خواهانه در این کشورها سرچشمه می گیرد. در همین چارچوب است که پس از بیست سال امیر نشین بحرین در مقابل اوج گیری اعتراض های مردمی در این کشور بالاخره زیر فشار شدید نیروهای مخالف حاضر می شود به برخی از خواست های نیروهای مترقی کشور، پیرامون آزادی زندانیان سیاسی، و اجازه فعالیت احزاب، تن دهد و راه را برای برخی اصلاحات باز کند.

رفقا!

از موضوع های مهم دیگر در منطقه ادامه فاجعه افغانستان، ادامه کشتار مردم بی گناه و غیر نظامی در چارچوب جنگ داخلی این کشور، به دست مزدورانی است که کشورهای غربی زمانی با صرف میلیاردها دلار، به عنوان «مبارزان و مجاهدان راه آزادی» پروردنو به جهانیان معرفی کرده بودند.

عملکرد جنایتکارانه اکثر این گروه ها، در بمباران مناطق مسکونی، در کشتار و شکنجه مخالفان و بالاخره در تحمیل عقاید و راه و رسم قرون وسطایی خود به مردم افغانستان علی رغم ساختار عقب مانده و ادامه حاکمیت ساختارهای قبیله ای، فتوادی بر حیات جامعه، فاجعه دردناکی را برای اکثریت مردم این کشور پدید آورده است. بر این معضلات مسأله دخالت آشکار کشورهای ارتجاعی ایران، عربستان سعودی و نظامیان پاکستان را نیز باید افزود که هر طرف در تلاش گسترش حیطه نفوذ خود از طریق یاری رساندن به مزدوران مسلح خود در جنگ داخلی این کشور است. در سال گذشته پیدایش و رشد ناکهانی گروه «طالبان» و یورش وسیع نظامی آنها با سلاح های مدرن و تصرف بخش های وسیعی از خاک افغانستان، مهر و نشان تلاش سازمان یافته دستگاه های امنیتی پاکستان و محافل نظامی این کشور را برای قطعی کردن کار افغانستان به همراه داشت. این تلاش ها با مداخله سایر کشورها و نیروهای وابسته به آنها تاکنون با موفقیت کامل روبرو نشده است و تنها ثمره اش، تندتر کردن آتش جنگ داخلی در این کشور است.

نکته دیگری که باید در مورد افغانستان توجه کرد، این حقیقت است که بر خلاف ادعای نیروهای ارتجاعی، نیروهای مترقی افغانستان نه

کرده است. علی رغم مانورهای گوناگون کشورهای غربی و خصوصاً امپریالیسم آمریکا، هدف عمده سیاست این کشورها در منطقه حفظ شرایط حاضر و تنها ایجاد تغییراتی است که بتواند حضور امپریالیسم و منافع آنها را در منطقه بیش از پیش تأمین کند. برخی مانورها برای ایجاد «آلترناتیو» از بالا و تنها جایجایی مهره ها در حزب بعث عراق که در ماه های اخیر با فرار تعدادی از افراد خانواده صدام حسین و تنی چند از مقام های عالی رتبه حزب بعث به اردن منجر شد، نشان داد که عمده تلاش امپریالیست ها متوجه جایجایی مهره ها در سطح بالا و حفظ شرایط کنونی است. از سوی دیگر ما در سال گذشته شاهد درگیری های خونین و دردناک در نواحی آزاد شده کردستان عراق بودیم که صدها تن کشته و زخمی بر جای گذاشت و موجودیت نواحی مستقل کردستان عراق را به طور جدی با خطر روبرو کرد. برخوردهای انحصارگرایانه برخی از رهبران جنبش کرد در این مناطق و تلاش برای کسب موقعیت برتر چه از نظر نظامی و چه از نظر سیاسی که ریشه های اصلی برخوردهای اخیر را تشکیل می دهد، فرصت مناسبی را برای دشمنان خلق های کرد و عرب این نواحی پدید آورد تا با سوء استفاده از شرایط، نقشه های شوم خود را در اشکال مختلف به اجرا در آورند. لشکر کشی نظامی وسیع دولت ترکیه، عضو ناتو، با تانک، توپ و هواپیمای های جنگنده، زیر پوشش تعقیب نیروهای حزب کارگران کردستان (ترکیه)، از یک سو، تشدید عملیات نظامی جمهوری اسلامی علیه دهکده های کرد نشین و بمباران هوایی و کشتار مردم غیر نظامی این مناطق، در کنار افزایش حضور نظامی نیروهای ارتش صدام در این نواحی بخشی از یک توطئه همه جانبه، سازمان یافته امنیتی - نظامی میان حکومت های ارتجاعی ایران، ترکیه و عراق برای سرکوب خلق کرد در منطقه و تأمین بقای رژیم صدام حسین، به بهانه ضرورت حفظ «تمامیت ارضی» عراق بود. شکل بازتاب این عملیات گسترده نظامی در رسانه های گروهی جهان و برخورد دولت های فرانسه، انگلیس و آمریکا با آن، در عین حال نشانگر تأیید این سیاست از سوی دولت های امپریالیستی است.

حزب ما در دیدارهای گوناگونی که با نیروهای مترقی منطقه، از جمله و به ویژه رهبری حزب کمونیست عراق در سال گذشته برگزار کرد، از نزدیک در جریان این حوادث دردناک در منطقه قرار گرفت و مواضع روشن خود را در محکوم کردن یورش های نظامی و اقدام های سرکوبگرانه علیه نیروهای مترقی منطقه، از طریق مطبوعات حزبی، بارها اعلام کرد. ما با کمونیست های عراقی هم عقیده ایم، که آلترناتیو دموکراتیک برای عراق نه از جلسات مخفی کاخ سفید و دیدارهای پنهان و آشکار با فرستادگان آمریکا در منطقه بلکه از درون مبارزه خلق و تلاش مشترک نیروهای دموکرات و آزادی خواه این کشور می تواند واقعیت پیدا کند. نیروهایی که در این عرصه تلاش می کنند با جلب موافقت آمریکا و غرب، رژیم صدام را تغییر دهند، در پایان اسیر همان بازی هایی خواهند بود که امپریالیسم بسته به منافعش در مقاطع مختلف با آنها خواهد کرد. شکاف جدی در جهت ائتلاف نیروهای مترقی به نام «کنکره ملی عراق» از جمله پیامد های تداوم چنین سیاست هایی توسط نیروهای راست رو در درون این جبهه است.

از تحولات مهم دیگر منطقه ادامه و گسترش حضور نظامی آمریکا از یک سو و رشد جنبش های آزادی خواه و تحول طلب در تعدادی از کشورهای عربی خلیج فارس، از جمله عربستان سعودی، بحرین و کویت است.

امروز پس از گذشت چهار سال از جنگ در خلیج فارس دیگر برای همه روشن است که رژیم دیکتاتوری عراق به تحریک و با چراغ سبز سفیر آمریکا در بغداد به کویت حمله کرد و این ماجراجویی نظامی زمینه را برای حضور دایمی آمریکا و نیروهای ناتو در منطقه فراهم آورد. از آن تاریخ تاکنون ما شاهد حضور گسترش یابنده نظامی - امنیتی نیروهای آمریکا و هم پیمانان ناتویی آن در منطقه هستیم. ایجاد پایگاه های دایمی نظامی در عربستان سعودی، کویت و ایجاد بلوک های نظامی زیر نظارت آمریکا، تهدید آشکاری علیه استقلال و حاکمیت ملی اکثریت قاطع کشورهای منطقه است. این حضور نظامی نه تنها به مثابه یک «نیروی واکنش سریع» برای دفاع از «منافع استراتژیک (!!)» امپریالیسم در منطقه خلیج فارس، بلکه به عنوان عامل فشار موثری برای سمت و سو دادن به تحولات سیاسی کشورهای مختلف به شکل گسترده ای به کار گرفته می شود. یکی از نمونه

ادامه گزارش هیأت اجرایی به پنجمین پلنوم

تنها از بین نرفته اند، بلکه به شکل فعال و گسترش یابنده ای در مبارزه برای پایان دادن به جنگ داخلی و ایجاد یک حکومت متکی به قانون در کشور تلاش می کنند. واقعیت این است که امروز بخش های وسیعی از جامعه دوران حکومت حزب دموکراتیک افغانستان را به مراتب دوران آسوده تر و آزادتری از شرایط کنونی ارزیابی می کنند. نکته منفی در این عرصه وجود برخی اختلافات میان نیروهای مترقی این کشور است که ریشه در تحولات ماه های آخر حکومت نجیب الله در افغانستان دارد. البته نباید فراموش کرد که در چنین شرایط بسیاری از زخم های کهنه و اختلاف های گذشته از جمله میان دو بخش «پرچم» و «خلق» حزب را نیز برنجی مسایل می افزاید. امروز بخش های وسیعی از حزب به فعالیت و مبارزه خود ادامه می دهند و در تلاش برای بازسازی حزب در شرایط نوین کشور هستند. بی شک هرکامی در راه بازسازی و جمع آوری نیروهای مترقی در افغانستان برداشته شود تلاشی است که می تواند نخستین گام در آغاز روند پایان دادن به شرایط فاجعه بار کنونی باشد.

از مسایل مهم دیگری که اشاره به آن در اینجا ضرور است، تحولات سال های اخیر در منطقه آسیای میانه و حوضه دریای خزر، و پیامدهای آن برای تمامی کشورهای منطقه است. بروز جنگ های خونین که نبردهای خونین چچن آخرین نمونه آن است، در کنار تحریکات وسیع کشورهای ارتجاعی منطقه، از جمله دولت جمهوری اسلامی، ترکیه، پاکستان و عربستان سعودی برای اعمال نفوذ بر تحولات این منطقه، در مجموع آسیای میانه را به منطقه نوینی از تنش و برخورد های ملی - مذهبی تبدیل کرده است که می تواند در آینده ای نه چندان دور به یک کانون جدی تشنج در جهان بدل شود. افزون بر این خطر، ما شاهد هجوم شرکت های فراملیتی برای غارت منابع و ذخایر عظیم زیر زمینی کشورهای این ناحیه هستیم که در تضاد آشکار با منافع ملی خلق های این منطقه است. برنامه عظیم شرکت های نفتی برای استخراج نفت در دریای خزر، از جمله برنامه هایی است که افزون بر غارت منابع ملی مردم این نواحی، سیستم محیط زیست این مناطق را نیز با خطرات جدی روبرو خواهد ساخت.

تحولات در آفریقای جنوبی موضوع گزارش هیأت اجرایی به پلنوم است. همان طوری که رقتا مطلع اند، نمایندگان کمیته مرکزی حزب ما از جمله مهمانان نهمین کنفرانس حزب کمونیست آفریقای جنوبی بودند که در اردیبهشت ماه سال جاری در ژوهانسبورگ برگزار شد. این کنفرانس به ما این امکان را داد که نه تنها از نزدیک با تحولات پر شتاب، و در عین حال بفرنج کشور آفریقای جنوبی، پس از پیروزی بزرگ مردم این کشور علیه رژیم آپارتاید آشنا شویم، بلکه از نزدیک، و از طریق مذاکره با رهبران این کشور، در جریان حرکت در حال شکل گیری و تجربه پر ارزش نیروهای مترقی این کشور قرار گیریم. آنچه که در این جا به اختصار می توان به آن اشاره کرد، این است، که حزب کمونیست آفریقای جنوبی و متحدان آن در مبارزه رهایی بخش ملی - کنفرانس ملی آفریقا و اتحادیه های کارگری این کشور، در مقابل انبوهی از مشکلات به ارث رسیده از رژیم گذشته و بفرنجی خاص شرایط استراتژیک در آفریقای جنوبی قرار گرفتند. کمونیست های این کشور پنهان نمی کنند، که برای سوسیالیسم در آفریقای جنوبی مبارزه می کنند، و در این مبارزه از پشتوانه عظیم بیش از ۲/۵ میلیون کارگر متشکل، سازمان یافته و آبدیده در کوره مبارزات رهایی بخش ملی برخوردار هستند. برنامه حزب کمونیست آفریقای جنوبی برای تعمیق انقلاب دموکراتیک ملی و سمت گیری سوسیالیستی در این کشور حاوی نکات بسیار جالب و زنده ای است که توجه به آن و تجربه ای که در این کشور در حال شکل گیری است، می تواند برای همه رزمندگان راه سوسیالیسم آموزنده باشد. مسأله ائتلاف نیروها در آفریقای جنوبی میان کنفرانس ملی آفریقا، حزب کمونیست آفریقای جنوبی و اتحادیه های کارگری این کشور، از نمونه های بسیار جالب اتحاد عمل هایی است که تاکنون علی رغم دشواری های زیاد و تلاش ها و توطئه های گوناگون به شکل موفق توانسته است عمل کند و راه را برای تحولات سرنوشت ساز در کشور بکشد. تاکید همه جانبه حزب کمونیست آفریقای جنوبی بر تعمیق بیش از پیش ماهیت کارگری حزب و پیوند تنگاتنگ آن با جنبش کارگری کشور، از یک سو و پای فشاری حزب بر اصول خود، بر

مارکسیسم - لنینیسم و در عین حال تلفیق خلاق آن با شرایط بفرنج کشور، امید های زیادی را به آینده روشن برای بسیاری از مردم این کشور ایجاد کرده است و با درک چنین خطری است که نیروهای راست و ارتجاعی، از جمله نیروی مزدوری مانند «انکاتا» همواره به مثابه عامل فشار و ترمیزی در مقابل خواست اصلاحات عمیق اجتماعی تقویت می شوند تا در آینده در صورت تعمیق روند انقلاب و به خطر افتادن جدی تر منافع سرمایه داری جهانی در این کشور، از آن به عنوان یک نیروی مزدور آماده برای تحریب این روند استفاده شود.

مصاحبه «نامه مردم» با رفیق ...

حمایت کردیم. ما نظرات خود را هم از طریق بیانیه ها و هم بطور عام و در میان افکار عمومی عنوان کردیم. موافقتنامه اسلو از نظر ما صرفا یک بیانیه اصول بود که می توانست به طرق مختلف تفسیر گردد. ما اظهار نگرانی کردیم که در صورت لغزش بیانیه می تواند ادامه اشغال را به فرم های دیگری مجاز بداند.

موافقتنامه اسلو خروج اسرائیل از نوار غزه و اریحا را مطرح می کند. این منطقی است که مقامات منطقه ای که ارتش اسرائیل از آن عقب می نشینند متعلق به طرف فلسطینی باشد. این نباید موضوع مذاکره باشد. ولی مذاکره کنندگان فلسطینی به تله تفسیر اسرائیل افتادند. ماده مربوط به خروج اسرائیل که در موافقتنامه اسلو ذکر شده بود، تبدیل به یک تجدید استقرار نیروهای اسرائیلی در نوار غزه شد. این به اسرائیل امکان داده است که کنترل خود را روی ۴۰ درصد نوار غزه حفظ کند. دولت اسرائیل انواع موانع را سر راه اهداف استقلال طلبانه سرزمین های اشغالی بوجود آورده است. بازگرداندن پناهندگان و خودمختاری از طرف اسرائیل علنا رد شده است. اسرائیل به محض خاتمه اداره مناطق فلسطینی توسط ساختارهای اداری خود آنچنان که در موافقتنامه اسلو ذکر شده است، به آن ادامه داده است. اسرائیل به جای تخلیه کرانه غربی، هنوز هم در اساس کنترل نظامی بخش عمده آن را در دست دارد.

س- موضع شما در قبال حکومت خودگردان فلسطینی چیست؟

ج- حزب ما در اساس قبول کرده بود که در حکومت خودگردان شرکت کند ولی روند مذاکرات و شیوه حصول موافقتنامه ها و برخورد مقامات اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین باعث شد که ما از شرکت در آن سرباز زنیم. در حقیقت، شرکت کنندگان در حکومت خودگردان تصمیم گیرنده نیستند تصمیمات مربوط به مذاکرات در سطوحی بسیار بالاتر از سطح خودگردان انجام می پذیرد و بحث هایی که چنین تصمیم هایی را تحت تاثیر قرار می دهد هیچ ارتباطی به آنهاست که در حکومت خودگردان شرکت دارند، ندارد. علی رغم این که به ما امکان شرکت بحث درباره مسایل محوری مذاکرات داده نشده است، ما یک موضع عینی در رابطه با حکومت خودگردان و مذاکرات و عملکرد آن گرفتیم. نگرانی ما این بوده و هست که فعالیت ها و موافقتنامه های حکومت خودگردان تا چه حدی برای دستیابی به خواسته های مرکزی مردم ما مربوط می شود. این خواسته ها خاتمه اشغال، بازگرداندن تمامی سرزمین های اشغالی، اجازه بازگشت دادن به پناهندگان و مردمی که جابجا شده اند و نهایتا استقرار یک کشور مستقل که پایتخت آن اورشلیم (بیت المقدس) باشد، بوده اند.

س- لطفا در مورد فعالیت های حزب بگویید.

ج- همانگونه که می دانید حزب ما براساس مطالعه دقیق اوضاع اجتماعی و درک نیاز مبارزات مردم، برپایه فرهنگ و آداب و تاریخ مردم فلسطین چند سال پیش نام خود را از حزب کمونیست به حزب مردم تغییر داد. تغییراتی هم در اساسنامه حزب ایجاد گردید. عمدتا نیروهای مبارز حزب این تغییرات را قبول کردند. ما در سازمان آزادیبخش، در شورای ملی فلسطین و دیگر ساختارهای عمده مبارزات مردم فلسطین حضور داریم این نشان دهنده نفوذ ما در میان توده ها و مقبولیت نقطه نظرها و برنامه حزب ما است. ما در سال های اخیر با شرکت فعال در انتفاضه و متمرکز کردن سست اصلی سازماندهی نیروهایمان در اراضی اشغالی توانسته ایم نقش عمده ای در مبارزات مردم داشته و نفوذ خود را گسترش دهیم. به منظور وسعت بخشیدن به پایگاه اجتماعی حزبمان، که نه فقط نماینده کارگران بلکه تمامی بخش های جامعه ما منجمله مردم زحمتکش، طبقات میانی، روشنفکران، برنامه ریزی دقیق کرده ایم. تمامی این بخش ها در مبارزه ملی علیه اشغال سرزمین ما نقش دارند. بنابراین ما خود را با وضعیت در سرزمین های اشغالی تطبیق می دهیم.

مصاحبه «نامه مردم»

با رفیق حنا عمیره عضو هیات سیاسی حزب مردم فلسطین

با انجام انتخابات ریاست جمهوری و مجلس قانونگذاری فلسطین در روز ۳۰ دی ماه مبارزه مردم فلسطین در طلب خودگردانی دموکراتیک و نهایتاً ایجاد کشور مستقل فلسطینی به مرحله جدیدی وارد شد. در انتخابات ریاست جمهوری، یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین با تصاحب بیش از ۸۸ درصد آرا پیروز گردید. در انتخابات مجلس قانونگذاری، طرفداران یاسر عرفات و جناح مسلط سازمان فتح قوی ترین سازمان تشکیل دهنده سازمان آزادیبخش فلسطین در کسب کنترل یکپارچه مجلس جدید با دشواری جدی روبرو گردیدند. نتایج اعلام شده تاکنون حاکی از این حقیقت است که حدود ۴۰ درصد کاندیداهای پیروز از منتقدان مشهور یاسر عرفات و شیوه رهبری او و پروسه مذاکرات می باشند. حنان عشراوی سخنگوی هیات فلسطینی در مذاکرات صلح در سال ۹۱ از اورشلیم شرقی و نیز حیدر عبدالشالی که از بنیادگذاران ساف می باشد و به یاسر عرفات انتقاد شدیدی دارد از فزوه انتخاب شدند. ترکیب مجلس امید فراوانی را برای اینکه رهبران حکومت خودگردان نتوانند بی توجه به خواست مردم و سازمان های سیاسی مردمی امور را سازمان دهند و اینکه پروسه مذاکرات آینده در جهتی مثبت پیش رود دامن زده است.



اشغال آزاد خواهد کرد.

سی- موضع حزب شما در مورد مذاکرات و موافقتنامه های امضاء شده چیست؟

ج- ما هنوز از اصل مذاکره دفاع می کنیم. ما برخورد فعلی به مذاکره را رد می کنیم. با موضع گیری و عملکرد اسرائیل در به تعویق انداختن مراحل و نقض توافق های حاصله و برخورد کنونی مقامات فلسطینی کاملاً نامناسب است. آنهایی که از ادامه مذاکرات تحت هر شرایطی دفاع می کنند موضع خود را اینگونه توجیه می کنند که گویا آلترناتیوی وجود ندارد. آنها به اختلاف و عدم وحدت اعراب، سقوط بلوک کشورهای سوسیالیستی و تغییر موازنه قدرت در صحنه جهانی به نفع ایالات متحده آمریکا و متحدان آن اشاره می کنند. طرفداران این موضوع، اصل مذاکرات را، که ما نیز تأییدش می کنیم و بر اساس آن قبول کردیم که در بخشی از مذاکرات واشنگتن شرکت کنیم، با واقعیت روند مذاکرات کنونی، متدهای اداره آن و اهدافی که برای آن تعیین شده است، اشتباه می کنند. شکایت ما این بوده و هنوز هم هست که متد و جهت پروسه مذاکرات، عدم وجود هرگونه مرجع صلاحیتدار و انحراف از هدف اصلی آن که بطور صریح در دعوتنامه کنفرانس مادرید و در موافقتنامه اسلو، مشخصاً اجرای قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد، تصریح شده بود، وضعیت مشکلی را بوجود آورده است.

ما علی رغم نگرانی ها از توافق نامه اسلو

ادامه در ص ۷

های کنترل نظامی، تقابل با نیروهای نظامی و ساکنان شهرک های صهیونیستی در مناطق اشغالی و نیز در دفاع از زمین را می توان نام برد. کمیته های دفاع از زمین سازمان داده شده اند که کارزار توده ای را به پیش می برند. یکی از نکات منفی موافقتنامه های امضاء شده دادن امکان به اسرائیل برای جدا کردن شهرها و مناطق پر جمعیت (که از سنگرهای مبارزه علیه اشغال بودند) و جدا کردن کشاورزان از زمین های خود می باشد. عملاً مراکز جمعیت به صورت جزیره هایی منفرد در درون سرزمین پهناور اشغالی در آمده اند که دور تا دورشان را نیروهای اسرائیلی در کنترل دارند. در چنین وضعیتی امکان اینکه مبارزات و تقابل به مناطق روستایی منتقل شود و بخش عمده مبارزه در دفاع از زمین باشد، در حال گسترش است. همچنین سازمان های سیاسی نوینی در سرزمین های اشغالی پا به عرصه وجود گذاشته اند که گرچه هنوز مواضع سیاسی اشان ناروشن است ولی بیانگر طرد شیوه برخورد دو جریان سیاسی در سرزمین های اشغالی می باشند. مردم هم به آن نیرویی که شیوه برخورد حاضر در مذاکرات را قبول می کند و هم به آن نیرویی که اصل مذاکرات را رد می کند، پشت خواهند کرد. پیدایش چنین سازمان هایی می تواند به گسترش مواضعی نظیر حزب ما بیانجامد. و امکانات جدی برای ائتلاف بوجود آید. بتدریج آیین فکر رشد می یابد که طرد مطلق و یا قبول مطلق مذاکرات غیر واقع بینانه است.

همانگونه که گفتیم قبول درخواست های طرف اسرائیلی در مورد امنیت از سوی مقامات حکومت خودگردان فلسطینی به نقض منظم حقوق بشر و افزایش غیر طبیعی در ساختارهای امنیتی فلسطینی منجر شده است و بطور غیر مستقیم وحدت ملی را تخطئه کرده است. مردم می گویند که ثمره توافقنامه های امضاء شده با اسرائیل برای هموطنان ما در مهاجرت عملاً صفر بوده است. دولت اسرائیل با بازگشت مهاجرین و پناهندگان مخالفت می کند و این در حالیست که مساله بازگشت پناهندگان فلسطینی در کنفرانس چندجانبه به فراموشی سپرده شده است. بطور خلاصه اکثریت مردم در اراضی اشغالی هنوز معتقدند که مبارزه اصلی آن ها با اشغال گران اسرائیلی است و احساس نمی کنند که برخورد مقامات حکومت خودگردان فلسطینی آنها را از شر این

سی- رفیق لطفاً بگوی ما از اوضاع مناطق اشغالی صحبت کنید.

ج- وجه عمده وضعیت سیاسی در مناطق اشغالی، علی رغم ایجاد و استقرار حکومت خودگردان فلسطینی در مهرماه ۱۳۷۳، مخالفت با اشغالگران اسرائیلی است. اگر در نظر بگیریم که ادامه اشغال در بسیاری از عرصه های زندگی فلسطینی ها اثر می گذارد، این غیر قابل انتظار نمی باشد. افراطیون اسرائیلی، علی رغم امضاء توافق نامه های صلح توسط دولت اسرائیل، تحت عنوان حفاظت از شهرک های یهودی نشین ایجاد شده در اراضی مصادره شده به کارزار توسعه شهرک های صهیونیستی ادامه می دهند. بازداشت و شکنجه فلسطینی ها توسط نیروهای امنیتی فلسطینی متوقف نشده است و خون فلسطینی هنوز با گلوله های اسرائیلی در سرزمین های اشغالی فلسطین به زمین ریخته می شود.

عملکرد دولت اسرائیل در سرزمین های اشغالی بیانگر این واقعیت است که توافقنامه های صلح کذایی چیزی جز یک ژست توخالی نیست. شرکت اسرائیل در این روند باعث شده که به سیاست ها و عملکردهای اشغالگران خود ادامه بدهد و سیاستی را در منطقه پیش ببرد که موجودیت شهرک هایش را تضمین کند. این کنترل اشغالگران در منطقه وسیعی از سرزمین های اشغالی و منابع آبی همه زیر پوشش حفظ امنیت اسرائیل صورت می گیرد.

توده های فلسطینی در آغاز صمیمانه از ایجاد حکومت خودگردان، رهبر آن و همچنین ساختارهای گوناگون استقبال کردند. آن استقبال همراه با انتظارات بسیار بالایی بود. زمان نشان می دهد که وضعیت قدیم ادامه دارد.

مردم از دیدن فاصله بین انتظاراتشان و واقعیت، بین مواعید مبنی بر صلح، پیشرفت و آزادی و واقعیت موجود در بیشتر سرزمین های اشغالی شوکه شده اند. علی رغم اظهار امیدواری های مقامات دولت خودمختار، مردم فعالیت خود را علیه اشغال از سر گرفته اند. بطور مثال تظاهرات اعتراضی در پاسگاه

کمک های مالی رسیده

ساز-و از دافنارک ۴۰۰ کرون
سیامک از آلمان به یاد رفقای شهید دکتر
احمد و عسگر دانش ۱۰۰ ماریک

NAMEH MARDOM: No:472
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

1- Postfach 100644 , 10566 Berlin, Germany
2- B.M.Box 1686, London WC1N 3XX, UK

30 January 1996

شماره فاکس ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

